



۲۰۲۲/۰۱/۲۶



سید ذوالمجد عالمشاهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قرآن و برده داری

در این نوشتار کوتاه به این سوال مهم خواهیم پرداخت که آیا قرآن واقعاً برده داری را مجاز دانسته است؟ متأسفانه باور همین است و این مایه ننگ! قرآن مجید هر مخاطب خود را به تفکر، تدبیر و تعقل فرا می خواند و حصار ورود ممنوع در فهم قرآن نمی گذارد. بر این مبنا کوشیده شد تا با مدد از آیات پاک قرآنی به این مسأله پرداخته شود. اما چون می دانم که غولک ها تیار است تا چیلک ها انداخته شود پیشاپیش یاد آوری می کنم که جهت این نوشتار اسلام قرآنی محمدی است و باز نیابند بگویند که بلی فلان کس در فلان وقت چنین کرد و چنان کرد، چنین نوشت و چنان گفت فلها اسلام چنین است و چنان است.

عبارتی که به "کنیزهای شما" ترجمه می شود "ما ملکت ایمانکم" است و در ترجمه ها و تفاسیر برای توضیح یاد آوری می کنند زنانی که در جنگ ها اسیر می شده اند. اما این اصطلاح معنای وسیع دارد و این ترجمه ها و تفسیرها نا درست است.

اول: ببینم که موضوع اسیر ها در قرآن چگونه است و به عیان خواهیم دید که اشارات آیات پاک در پاره اسارت تنها در میدان جنگ است و نه در شهرها و خانه ها و کوچه و بازار، تا از این راه امکان اسارت زن ها و دخترها فراهم شود، نهایتاً کنیزشوند و مورد آزار جنسی قرار بگیرند. البته در میان اسیران جنگی گاه زن های حاضر در لشکر دشمن هم می بودند و بر آن ها هم همان می رفت که بر مردان اسیر، یعنی یا از آزادی مورد توصیه قرآن بهره می بردند و یا با پرداخت فدیة از سوی کسان شان آزاد می شدند. اما زنان اسیر این امتیاز را داشتند که با ایمان آوردن در واقع شرک را "طلاق" بدهند و به این صورت با اجازه ازدواج مجدد آزاد بگردند. اما اگر در شرک خود می ماندند یا کدام انسان خیرخواه آزادشان می کرد و یا کسان شان با پرداخت فدیة. البته که در ایمان آوردن آن ها هیچ گونه زور اعمال نمی شد. صد البته که گردن هیچ اسیری بریده نمی شد آن چنان که به دست طالبان و داعش مرسوم است.

آیت چهارم سوره محمد را در نوشتار قرآن و گردن زدن بحث کردیم و توضیح داده شد که "رقاب" حاوی معنای مجازی گردن و نه خود گردن است. آیت می فرماید: (... چون با کافران " که جنگ را علیه شما آغاز کرده اند" روبرو شدید به سردمداران شان ضربت بزنید، تا آن که بر آنان چیره شوید، آن گاه اسیران را به بند بکشید، سپس با احسان یا در برابر غرامت آزادشان کنید تا سنگینی جنگ فروکش کند. این فرمان خداست اگر خدا می خواست خودش از آنان انتقام می گرفت ولی " فرمان جنگ داد" تا شما را در برابر یکدیگر آزمایش کند و آنان که در راه خدا کشته شدند، خداوند نتیجه تلاش شان را تباه نمی کند. پس اسیر گرفتن در میدان جنگ است و جنگیدن با آنهايي که حمله کرده اند و توصیه به آزاد کردن شان و یا آزادی در برابر غرامت و دوم این که حکم خداوند این نبوده است که به شهرها حمله کنید و زن ها را به اسارت بگیرید. در حیات حضرت رسول مکرم حادثه این چنین هرگز اتفاق نیافتاده است که لشکر آن حضرت به شهری تاخته باشد و زنان اسیر با خود آورده باشند. در مقاله دیگر به حکایت جعلی اسارت و کشتار بنی قریظه پرداخته شده و در این جا لازم به تکرار نیست.

آیت 67 سوره انفال می فرماید: (پیامبری را نرسد که اسیرانی بگیرد تا آن که " بدان وسیله " در منطقه چیره شود، شما بهره دنیا را می خواهید و خدا آخرت را " برای شما" می خواهد و آگاه باشید که خدا فرادست فرزانه است) در این آیت پاک حتی سفارش می شود که اسیر هم نگیرید تا در شما این انگیزه ایجاد نشود که با گرفتن فدیة به بهره دنیایی برسید چون خداوند بهره اخروی را به شما اعطا می کند.

آیت 70 سوره انفال می فرماید: (ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: " اگر خداوند، خیری در دلهاى شما بداند " و نیات پاکى داشته باشید" بهتر از آن چه از شما گرفته شده به شما می دهد و شما را می بخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است) این آیت نشانه رحمت بی پایان الهی است به اسیران، در کجای آن مفهوم برده گی نهفته است؟

آیت 26 سوره احزاب می فرماید: (خداوند گروهی از اهل کتاب " یهود" را که از آنان " مشرکان عرب " حمایت کردند از قلعه های محکشان پابین کشید و در دلهايشان رعب افکند " و کار شان به جایی کشید که " گروهی را به قتل می رساندند و گروهی را اسیر می کردید) در این جا هم دیده می شود که این جنگ جویان اند که عده شان کشته شده اند و عده ای شان به اسارت رفته اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنی بنی پاوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

این اسیران در مدینه هم اسیر خوانده می شدند و نشانه آن آیت هشتم سوره انسان که از مسکین ، یتیم و اسیر سخن دارد همان هایی که دروازه خانه بی بی فاطمه را کوبیدند، نان خواستند و نا امید نرفتند و بی بی فاطمه زهرا نماد ایثار شد. یکی از آن سه نفر اسیر بوده و اسیر خوانده شده و نه مثلا ملک یمین .

در زبان عربی به کنیز "جاریه" گفته می شد و اما این کلمه اصلاً در قرآن به کار نرفته است. کلمه دیگر برای کنیز "امت" (به فتح الف) است که یکبار در سوره بقره آیت 221 به کار رفته است و آن به خاطر تسهیل در درک دستور الهی . ایت می فرماید : (با زنان بت پرست ازدواج نکنید مگر این که ایمان بیاورند و کنیزی که ایمان آورده بهتر است از زن آزاد مشرک , اگر چه زیبایی اش شما را به شگفت آورد و " دختران خود را " به ازدواج مشرکین درنیاورید مگر آن که ایمان بیاورند و عبد با ایمان بهتر است از مشرک , اگر چه شما را به شگفت آورد . آنان به آتش فرا می خوانند و خدا بر اساس قانونمندی خویش به بهشت و آمرزش فرا می خواند و آیات خود را به مردم به روشنی بیان می دارد بسا که پند پذیرند .) آیت اشارت به این دارد هر چند که اگر کسی در نظر شما کنیز بوده باشد و برده بوده باشد و اما مومن باشد او از مرد و زن مشرک هر چند آزاد , بهتر است و دوم این که اگر **احیاناً زنی نا مسلمان در اسارت نمی خواست ازدواج کند در شرک و کفر خود باقی می ماند , مرد مسلمان جواز ازدواج با او را نداشت و او را مجبور به این کار هم نمی توانست .**

کلمات دیگر عربی برای برده , "رقیق , کادح و مملوک" است . رقیق و کادح اصلاً به کار برده نشده و عبد در این معنا یک بار در آیت بالای و یک بار هم "عبد مملوک" در سوره نحل آیت 75 از برای مثال ذکر شده است . آیا عدم استفاده قرآن از کلمات رایج آن زمان در زبان عربی برای کنیز و برده برای این است که نعوذ بالله خداوند با زبان عربی نا آشنا بوده ؟ یا رمز و رازی دیگری باید در کار باشد؟ منظور شاید این باشد که دیگر آن مفاهیم ذهنی از اعتبار افتاده است و آن کلمه ها دیگر کاربرد ندارد و شما باورمندان به قرآن آن کلمات زشت را که بار معنایی خلاف انسانی دارد از زبان بیاندازید. در همین راستا کلام الله پاک معنای عبد را بر می کشد و همه را **عبادالله** می خواند . **هیچ کسی بنده هیچ کسی نیست همه عبد خداییم** و اگر این را بپذیریم همه باید رهروی راه راست الهی باشیم و با گذر خالصانه از امتحانات الهی به خدای عالمیان رجعت کنیم .

اما در حالیکه قرآن کلمه های زیبای دیگر را برای آن پدیده جاهلی خلق می کند و ما با هزار تاسف آن ها را باز کنیز و غلام ترجمه می کنیم و در زبان عربی هم باز نوشته می کنند یعنی غلام و کنیز !! قرآن کسانی را که در شرایط ناگوار اجتماعی قرار می گیرند با کلمات رایج جامعه جاهلی تعریف نمی کند و بر خلاف به آن زن ها **فتات** و جمع آن **فتیات** و به آن مرد ها **فتی** و جمع آن **فتات** می گوید. **فتی** به معنای **جوان مرد** است و جوان مرد یک صفت است و شامل زن و مرد. ساده ترین تعریف **جوان مرد** انسانی است که آن چه را برای خود نمی خواهد برای دیگری هم نمی پسندد و نمی خواهد . پس این جوانمردان فریاد می زنند که ما فتی هستیم و این حال رقت بار را نه برای خود و نه برای کسانی دیگر می خواهیم , ما می خواهیم آزاد باشیم. بسیار شایسته است که بدانیم همین لقب **فتی** را خداوند به اصحاب کهف می دهد , به دوست حضرت موسی در سفر ملاقات با حضرت خضر می دهد , و به حضرت ابراهیم پیامبر والا مقام هم می دهد. آیا می توانیم ترجمه اشتباه خود را از **فتی** و **فتات** به این بزرگان هم سرایت بدهیم ؟ بیایید حرمت الهی را به این ها پاس بداریم .

در قرآن مجید " **ملکت ایمانکم** " و " **ملکت ایمانهم** " و " **ملکت ایمانهن** " آمده است که اولی با ضمیر مخاطب جمع " **کم** " یعنی شما ها و با ضمیر " **هم** " برای مردان و با ضمیر " **هن** " برای زنان, پس هم مردانی و هم زنانی در آن روزگار معیار های بودن در این موقعیت را دارا بوده اند . " **ملکت** " فعل ماضی از ریشه " **ملک** " است و آن به معنای **بر چیزی احتوا داشتن** , **بر چیزی قادر بودن** , **بر چیزی استیلا داشتن** و توانا بودن در تصرف چیزی . " **ایمان** به فتح الف " جمع " **یمین** " است و **یمین** به معنای **برکت** , **قوت** و **منزلت** زیبا . پس " **ملکت ایمانکم** " آن چه را که به خاطر منزلت و قوت تان زیر استیلا دارید. ساده تر آن یعنی که شما به خاطر موقعیت اجتماعی تان از نگاه شهرت نیکو, ثروت و یا هم قدرت بر چند نفر سرپرستی یافته اید و چون " **ایمانهن** " هم آمده است پس **زنانی هم بوده اند که در موقعیت سرپرست شدن بوده اند** . این اشخاص سرپرستی افرادی را به عهده می گرفتند که **شامل در مانده , بی نوا, فتات و فتیات** " جوانمردان زن و مرد", **بیوه** و **یتیم**, **بودند** یا کسانی که در بازار ها برده فروشی حجاز جاهلی یا سرزمین های خریداری شده بوده اند , یا اسیران جنگی که یا آزاد نشده بوده اند و یا منتظر پرداخت فدیة از سوی کسان شان می بودند.

همه این دسته ها در مقوله " **رقاب جمع رقیه** " جای می گیرد چون شامل کسانی می شود که گویا ریسمانی بر گردن های شان انداخته شده بوده و توان اجرای هر کار و آزادی را از آن ها گرفته بوده است. توصیه های مکرر قرآن به بهانه های مختلف و پوشش گناه ها, از برای **رهایی همین انسان های در بند است**. اسلام از برای حذف و نصب یک مفهوم و رسم اجتماعی با فرمان های **انقلابی** وارد نمی شود. **وامر الهی و نواهی حضرتش به زبان پیامبر سراسر رحمت به امت ابلاغ می شد** با تاکید بر این که اگر خداوند می خواست همه را مومن می کرد و اما پذیرش و عدم پذیرش ایمان را به خود انسان ها وا گذارده است , به همین سبب هم حضرت رسول مکرّم حفیظ , جبار, مصیطر و وکیل خوانده نمی شود و هم در پذیرش دین **اکراه وضع نمی شود** چون راه رشد از سرگشتگی روشن شده است . اگر ارزش های الهی قرار می بود که به شکل دفعی و با فرمان های **انقلابی** الهی برپا شود در همان اول نبوت نشانه ای از کفر و شرک در هیچ جای دنیا نمی ماند و می دانیم که **شرک** بسیار زشت تر از **برده داری** است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

سوره النسا آیت 24 می فرماید: (هر که از شما توان مالی برای ازدواج با زنان آزاد مومن را ندارد با زنان با ایمان از کسانی که زیر سرپرستی دارید از همان مومن های فقیات " جوانمردان " ازدواج کنید . خداوند به ایمان شما دانایتر است ، همه از یک گوهرید ، آنان را به اجازه کسان شان به نکاح خود در آورید و مهر شان را به نحو شایسته بپردازید. در حالی که پاکدامن باشند ، نه بی عزت و دوستان در خفا بر نگرینند. اگر آنان زنان در حصار ازدواج قرار گرفتند و مرتکب بی شرمی شدند مستوجب نصف کیفر زنان آزاد هستند . این برای کسی از شماست که از رنج "تجرد و ارتکاب گناه " بترسد و خویشتن داری تا هنگام گشایش بهتر است که خدا آمرزگاری مهربان است) در این آیت پاک چند نکته است .

اول : در این جا در جمله فقیات زن مومن هم هست و جنگی در میان مومنان اتفاق نیافتاده بود تا اسیران زن مومن در میان باشد پس کسانی زیر سرپرستی الزاما از کافران و مشرکان نبوده اند و می توانست یک زن بی نوای مومن هم باشد.
دوم : همه انسان ها از یک گوهرند و اگر شرایطی پیش آمده و کسانی در وضعیت پایانی اجتماع قرار گرفته اند دلیل فروتری **مقام انسانی شان نیست .**

سوم : این زن ها خواستگاری می شوند، و مطابق سنت رسول الله سرپرست می باید از آن ها در رد و قبول پرسش کند و مهر شان به نحو شایسته پرداخته شود . پس از این نگاه فرقی بین یک زن آزاد و یک زن نیازمند به سرپرست نیست.
چهارم: مرحمت الهی باز هم شامل این فقیات است و مجازات شان در صورت ارتکاب فحشا نصف مجازات زنان آزاد .

سوره النسا آیت 3 می فرماید: (... اگر خوف داشتید که نتوانید عدالت را رعایت کنید تنها یک همسر انتخاب کنید یا از زن های که زیر سرپرستی دارید. این روش نزدیک تر است به این که ستم نکنید) خواندن تنها این آیت این تصور را در بعضی اذهان جاری کرده که **اگر چنین نشد به زعم این ها پس با کنیزت بیامیز! اول در این جا " کم بر وزن کم " استفاده شده ونه "ک" که اشاره به همه خانم هایی نیازمند دارد و آقای طالب ازدواج به دستور العمل آیت بالای باید عمل کند یعنی به یکی از آن ها پیشنهاد ازدواج کند با اذن سرپرست و پرداخت مهر شاید به ازدواج موافقت شود.** آغاز این آیت در باره چند همسری است که در مخالفت علاحه به آن پرداخته شده است.

سوره النسا آیت 36 می فرماید: (خدای را بندگی کنید و هیچ چیز را با او شریک نسازید و نسبت به پدر و مادر ، خویشاوندان ، یتیمان ، بینوایان ، همسایگان نزدیک و دور و معاشران ، در راه ماندگان ، و کسانی زیر سرپرستی تان نیکی کنید که خدا افراد متکبر و فخر فروش را دوست ندارد) در این جا حرمت و محبت به افراد زیر سرپرستی در ردیف حرمت و دوستی نزدیک ترین کسان قرار داده شده است و نشانه رفت بی پایان الهی به این جماعت است.

سوره نور آیت 33 می فرماید: (کسانی که امکان ازدواج ندارند باید خویشتن داری کنند تا خدا از افزون بخشی خود بی نیازشان گرداند و از افرادی که زیر سرپرستی دارید آنان که خواستار باز خرید و ازادی خویشند، اگر در ایشان شایستگی سراغ دارید بپذیرید و از مال خدا که به شما ارزانی داشته است به آنان ببخشید . و فقیات " زنان جوانمرد " که در اختیار تان است **اگر پاکدامنی خواهند آنان را به زشتی سوق ندهید** تا بدین وسیله خواهان بهره زندگی دنیا باشید و اگر کسی ایشان را بر خلاف میلشان به زشتی سوق دهد خدا پس از وادار شدن آنان آمرزگاری است مهربان .) در این آیت پاک به سر پرستان سفارش می شود که اگر کسانی از آن افراد تحت تکفل می خواهند آزاد شوند **می باید کمک شوند** ، چه که مال در دست سرپرستان مال خداست . **نکته دوم این که سرپرستان حق ندارند دختران تحت تکفل را به ارتکاب کار زشت وا دارند و اگر چنین شد و با زور به آن کار زشت واداشته شدند خداوند در حق این ها امرزگار مهربان است** هم چنان که در بالا اشارت رفت **جزای فقیات نصف جزای زن های دیگر بود.** دیده می شود که **کار از روی اجبار را خداوند مجازات نمی کند.**

در اسلام تجاوز در هر صورت آن اجازه نیست و مرتکب آن مورد خشم الهی و دوست شیطان است .
آیت 190 سوره بقره صریحا می فرماید: (قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین) (با آنانی که با شما جنگ می کنند ، جنگ کنید اما تجاوز نکنید خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد) ریشه فعل " تعدوا " عدا است . در زبان عربی برای راه رفتن نظر به سرعت آن **سه لغت** است . مشی همان راه رفتن عادی است ، سعی مثل دوش است و اما عدا آن دویدن است که دهنده با سرعت زیاد می خواهد هر مانع و حد و مرز و دیوار و حایل را بی محابا در نوردد . مثلا کسی در داخل یک تانک نشسته باشد و با سرعت رانندگی کند و با زور هر جا دلش خواست داخل شود همین حالت را " تعدی " می گویند و کننده آن را **متعدی** و چون فکر می کند که اجازه این کار را دارد به او **متجاوز** هم گفته می شود . پس در هر کاری که **زور** باشد و طرف مقابل رضایت نداشته باشد و اما **زورگویی** به خود حق بدهد تا خواسته خود را اعمال کند **تعدی صورت گرفته است و این مقبول خدای بزرگ نیست.** اگر خداوند بزرگ شیطان را " عدو " انسان می خواند از همین روست چون او با شتاب در قلب و اندیشه ما داخل می شود و به ما می قبولاند که بر حق هستیم ، می توانیم زور بگوییم و تحمیل خواسته کنیم در حالیکه **زور گویی و تحمیل عقیده و تجاوز جنسی در حقیقت به سخره گرفتن حقوق مردم است.**

با آن چه گفته آمد انصافا در کجای این آیات پاک انسان های وامانده ای نظام جاهلی تحقیر شده اند ؟ برده خوانده شده اند؟ خشونت جسمی و یا جنسی بر آنان مجاز دانسته شده است ؟ قرآن را بار بار بخوانیم و باور های غیر انسانی چسبانیده به آن را برداریم .



د پانو شمیره: له 3 تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی